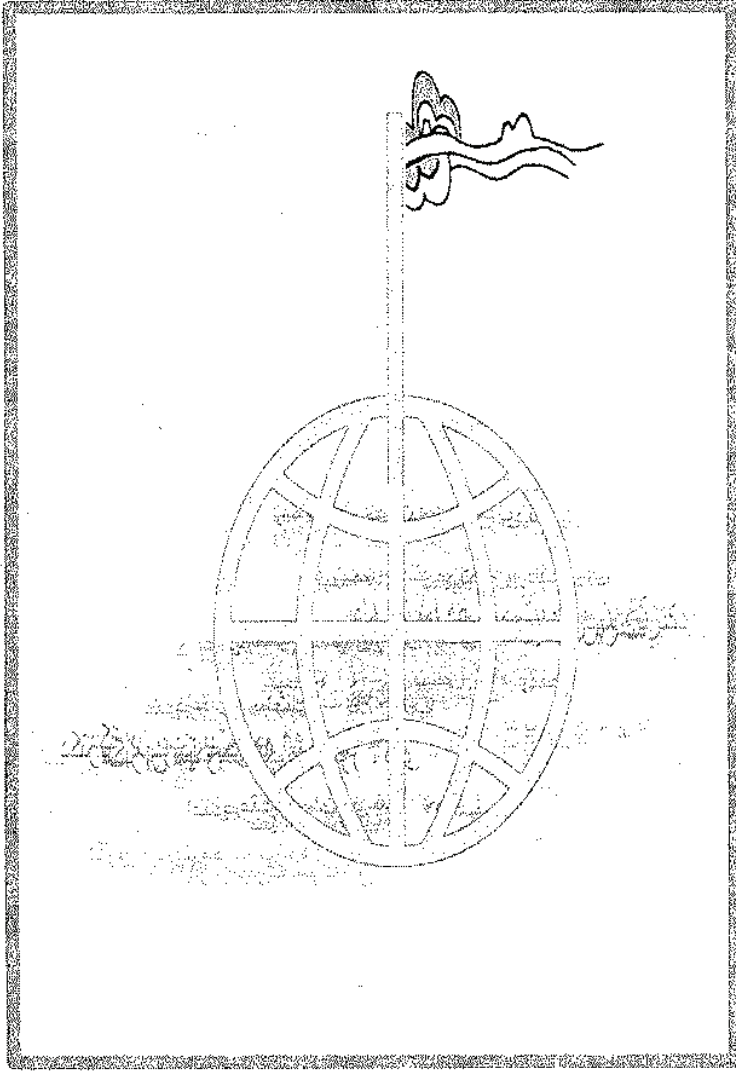


گلوبل



درآمدی بر مسائل سیاسی دکتربین مهندویت

غلامرضا بهروزلیک



الکبری  
احتجاج

ما به احوال شما آگاهیم  
و هیچ خبری از شما بر ما  
پوشیده نیست.

احتجاج طبرسرخ ۲ ص ۳۲۲

## اشاره:

مهدویت آموزه‌ای فراگیر بوده و تمامی ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. یکی از حوزه‌های مطالعاتی آن مباحث سیاسی است این نوشتار در صدد است با مفهوم شناسی سیاست و مباحث سیاسی مهدویت، به طبقه‌بندی و شناسایی مسائل آن پردازد با توجه به گسترش مطالعات مهدویت و شکل‌گیری گرایش‌های مطالعاتی - پژوهشی مختلف در این حوزه ضرورت دارد محققان علاقه‌مند به گرایش مطالعات سیاسی مهدویت طبقه‌بندی مباحث سیاسی مهدویت آشنا شده و با بصیرت بیشتری وارد آن شوند. برای این منظور در هر کدام از این طبقه‌بندی‌ها سعی شده است برخی از مهمترین مسائل مربوطه شناسایی و معرفی شوند.

## مقدمه

یکی از حوزه‌های مطالعاتی و گرایش‌های رشته تخصصی مهدویت، گرایش سیاسی - اجتماعی است. غالب گرایش‌های مطالعاتی مهدویت اسلامی میان رشته‌ای بوده و بین مهدویت اسلامی و حوزه‌های مختلف دین پژوهی و رشته‌های علوم انسانی، ارتباط برقرار می‌کنند. مطالعات سیاسی مهدویت نیز در واقع بین مباحث علوم سیاسی و به‌ویژه اندیشه سیاسی اسلام و دیگر حوزه‌های معارف اسلامی مشترک هستند و لازم است پیش از ورود به این حوزه مطالعاتی، نمایی کلی از ویژگی‌های مباحث سیاسی مهدویت ترسیم شود تا پژوهشگران این حوزه چشم‌انداز مناسبی از مباحث سیاسی مهدویت داشته باشند و بتوانند با اشراف و بصیرت بیشتری، این حوزه مطالعاتی را پی‌گیری نمایند.

مباحث مهدویت غالباً از منظر کلامی یا تاریخی مدّ نظر قرار می‌گیرند، اما در واقع، مباحث مهدویت از منظرهای مختلف قابل طرح است. در اندیشه سیاسی شیعی با توجه به محوریت آموزه امامت، مباحث سیاسی مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. زیرا از یک سو، مهدویت با آموزه امامت پیوند خورده است و از سوی دیگر با تحقق حکومت جهانی مهدوی، آرمان مدینه فاضله اسلامی محقق می‌شود و ظلم و ستم از دنیا رخت برمی‌بندد. از این جهت آموزه مهدویت اسلامی، ابعاد سیاسی بسیار مهمی در معارف اسلامی دارد و شایسته است با نگرش تخصصی و با استفاده از دست‌آوردهای علوم سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

برای ورود به مباحث سیاسی مهدویت لازم است ابتدا به مسأله‌شناسی مباحث سیاسی مهدویت پرداخته شود و در ضمن آن رهیافت‌های مختلفی که در بررسی این مباحث کاربرد دارند، شناسایی شوند. این رهیافت‌ها گاه در قالب گرایش‌های مختلف علوم سیاسی است و از این جهت لازم است مروری بر گرایش‌های مختلف علوم سیاسی و ارتباط آن‌ها با مباحث مهدویت نیز صورت پذیرد. از این رو ابتدا با مروری بر مفهوم سیاست و رویکردهای مختلف به سیاست در جهان امروز، مباحث مهدویت در قالب گرایش‌های مختلف علوم سیاسی بررسی خواهد شد.

### مفهوم سیاست در آموزه مهدویت

گاه به اندیشه مهدویت در اسلام، آموزه یا دکترین مهدویت می‌گویند. در فرهنگ و بستر دکترین چنین تعریف شده است:

۱. آموزه، دستور العمل؛
  ۲. الف) آن چه آموخته شده است؛
  - ب) اصل یا موضوع یا مجموعه‌ای از اصول در یک شاخه دانش یا یک نظام اعتقادی - دینی؛
  - ج) اصل حقوقی که از تصمیمات گذشته به دست آمده است؛
  - د) اعلان سیاست بنیادین حکومت به‌ویژه در عرصه روابط بین‌الملل.
- دکترین در دائرة المعارف‌های ویکی پدیا و لینوکس نیز چنین تعریف شده است:

۱. دکترین بیش‌تر درباره مجموعه اعتقادات دینی به‌ویژه اعتقاداتی که از سوی کلیسا مطرح شده، به کار می‌رود.

۲. هم چنین در مورد اصل حقوقی در سنت‌های حقوقی عرفی که طی تصمیمات گذشته تاریخی شکل گرفته است، به کار می‌رود.

۳. دکترین در سیاست خارجی، عبارت است از مجموعه قواعد بنیادینی که در اجرای سیاست خارجی یک کشور اعمال می‌شود. از این رو، دکترین هم‌آهنگی فراخی را بیان می‌کند که طی طیفی از اقدامات و اعمال درست تلقی شده است. دکترین در این معنا، همواره بیان‌گر

ابتکارات یک رهبر سیاسی خاص است که به نام وی خوانده می‌شود، مثل دکترین مونرئه و دکترین آیزنهاور. در امریکا رسم است که هر رئیس جمهوری دکترین خود را نیز داشته باشد. گاهی دکترین تنها واژه‌های بلندپروازانه است برای یک شعار. هم‌چنین دکترین درباره مفهومی از یک فرایند عملیات پیچیده در جنگ به کار می‌رود. نمونه بارز آن، دکترین تاکتیکی است که در آن مجموعه‌ای از مانورها، نیروها و تسلیحات خاص به مثابه یک ره‌یافت پیش فرض در حمله خاص به کار گرفته می‌شود.

با توجه به کاربرد دکترین در آموزه‌های اعتقادی، از واژه دکترین واژه دیگری در زبان انگلیسی به صورت indoctrination ساخته شده که در مقابل واژه تعلیم یا education، پذیرش انفعالی را بیان می‌کند. (1, Internet Source). به لحاظ ریشه شناختی، واژه دکترین از کلمه لاتین didache گرفته شده که به معنای گرفتن و دریافت کردن است. در متن یونانی عهد جدید دو واژه برای دکترین به کار رفته است: didache و didaskalia. هر دو واژه به معنای آموزه، دستورالعمل، تعلیم و تبیین به کار رفته‌اند. در انجیل آمده است که مسیح دکترین را می‌آموزد. (Matt. 7:28, 22:33; Mk. 1:22, 4:2, 11:18, 12:38; Luke 4:32, etc.) بنابراین دیدگاه، دکترین واقعی از آن خداست. از حضرت مسیح نقل شده که:

«دکترین من مال من نیست، بلکه از آن خداست که مرا فرستاده است.»

(John 7:16)

در نسخه جیمز کینگ عهد عتیق، واژه آموزه شش بار و معمولا در ترجمه واژه عبری leqakh به معنای دستورالعمل یا در معنای دقیق‌تر «آن چه باید دریافت شود» به کار رفته است. این واژه در متن عهد جدید جیمز کینگ نیز بیش از پنجاه بار به کار رفته است که اغلب در مورد تعلیم یا دستورالعمل‌های عیسی مسیح و کمتر در مورد تعالیم دیگران به کار رفته است. دکترین در کاربرد مفرد خود تنها به تعالیم مسیح گفته شده است، و در کاربرد جمع خود، در مورد تعالیم دیگران که باطل محسوب می‌شوند. (2, Internet Source)

با توجه به معانی‌ای که از واژه دکترین در فرهنگ مسیحی - غربی وجود دارد، می‌بایست بر نقش آموزه‌های دینی در معنای این واژه تأکید کرد. ریشه این لغت نیز به معنای دستورالعمل و راهنماست. با چنین محتوایی، واژه دکترین در زندگی غیر دینی نیز رواج یافته

است. واژه دکترین در عرصه سیاسی - اجتماعی بیش تر دیدگاه‌های اعلامی و سیاست‌های رهبران سیاسی را بیان می‌کند.

در صورتی که ما در سنت اسلامی از دکترین مهدویت سخن بگوییم، می‌بایست آن را در سیاق دینی همانند سنت مسیحی به کار ببریم. از این رو، دکترین مهدویت شامل آموزه‌های اسلامی در باره منجی موعود و زندگی در مدینه فاضله اسلامی خواهد بود. طبیعی است با توجه به ویژگی کلان آموزه مهدویت اسلامی، ابعاد مختلفی از آن را می‌توان استخراج و تبیین نمود. یکی از ابعاد مهم و پراهمیت آموزه مهدویت اسلامی، ابعاد سیاسی - اجتماعی آن است که در این نوشتار سعی می‌شود مسائل سیاسی آن طبقه‌بندی و به صورت اجمالی شمرده شوند.

رویکرد به سیاست در تفکر اسلامی، غایت‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه است. حتی در تفکر اسلامی، مفهوم سیاست دقیق‌تر از دیگر نگرش‌های غایت‌گرایانه می‌نماید. نگرش اسلامی با نگرش غایت‌گرایانه یونان باستان متفاوت است که بنابراین، سعادت اخروی، سعادت نهایی است و در پی سعادت دنیوی؛ یعنی سیاست، فرایندی است که ضمن زمینه‌سازی فضیلت در این دنیا، زمینه سعادت اخروی را تأمین می‌کند. در مباحث سیاسی مهدویت، ماهیت سیاست و جهت‌گیری‌ها براساس راهبرد به فضیلت و سیاست صورت می‌گیرد. در این مباحث، خود فعل سیاسی مورد توجه است، یا دانش به چنین فعلی.

### چیستی مفهوم سیاست

اولین بحث در مورد سیاست تبیین مفهومی آن است و پرداختن به این پرسش که سیاست چیست؟ چرا که اگر بخواهیم مباحث سیاسی مهدویت را شناسایی و پی‌گیری کنیم، ابتدا باید تعریفی از سیاست داشته باشیم تا به دنبال چیزی ناشناخته نباشیم.

در مفهوم شناسی سیاست ابتدا باید یادآور شد که اصطلاح سیاست هم در مورد خود فعل سیاسی و هم در مورد علم به آن، یعنی در مورد علم سیاست به کار رفته است. نام برخی از علوم چنین است که هم به معنای خود موضوع و پدیده مورد نظر است و هم به معنای دانش مربوط به آن پدیده یا موضوع مورد مطالعه. اصطلاح تاریخ نیز چنین است. تاریخ گاه در معنای

نفس حوادث واقعی تاریخی به کار می‌رود و از آن به تاریخ یک تعبیر می‌کنند و گاه به معنای علم به حوادث تاریخی است که از مقوله علم و دانش است و آن را تاریخ دو می‌خوانند.<sup>۱</sup> اصطلاح سیاست نیز چنین است. گاه مراد از سیاست فعل خارجی است و بر نفس رابطه خاصی دلالت دارد که در عرصه اجتماعی بین انسان‌ها رخ می‌دهد. گاه سیاست عبارتست از علم به چگونگی این روابط. در این بحث مراد ما از سیاست عمدتاً همان فعل سیاسی است. یعنی می‌خواهیم این مسأله را بررسی نماییم که در معارف مهدوی، رابطه سیاسی در جامعه اسلامی چگونه سامان می‌یابد و در نتیجه بهترین وضعیت مطلوب در عرصه سیاسی از این منظر چیست. البته در صورت لزوم به سیاست به معنای دانش خاص نیز اشاره خواهیم نمود.

مباحث گسترده‌ای راجع به لفظ سیاست در زبان‌های عمده جهان اسلام (عربی، فارسی و ترکی) یا معادل آن در زبان‌های لاتین وجود دارد.<sup>۲</sup> پرداختن به آن در این مختصر ضرورتی ندارد و محور بحث معنای اصطلاحی سیاست است.

اگر بخواهیم جامع‌ترین تعریف را از فعل سیاسی ارائه کنیم باید به مفهوم قدرت در مطالعات سیاسی توجه نماییم. شاید جامع‌ترین تعریف از فعل سیاسی عبارت باشد از رابطه قدرت در جامعه. برخی هم سیاست را با دولت پیوند می‌زنند. برخی معتقدند سیاست عبارت است از کاری که دولت انجام می‌دهد. تعاریف دیگری نیز مطرح شده است. در سنت اسلامی هم مراد از سیاست، استصلاح خلق است.<sup>۳</sup>

به هر حال، چه مراد از سیاست قدرت باشد، چه دولت و چه استصلاح، سیاست نوعی رابطه راهبری در عرصه اجتماعی است. طبعاً هر نوع راهبری مستلزم رابطه قدرت می‌باشد. رابطه قدرت در هر نوع تعریفی که از آن بخواهیم ارائه بدهیم، بیانگر تأثیر و اعمال اراده می‌باشد. یعنی عده‌ای تأثیرگذارند و عده‌ای تأثیر پذیرند. با توجه به نگرش‌های مختلف در عرصه اجتماعی، اگر عاملی در عرصه اجتماعی اعم از عوامل انسانی یا ساختاری، عامل دیگر را تحت تأثیر قرار بدهد، این‌جا فعل سیاسی رخ داده است.<sup>۴</sup> البته این تأثیرگذاری باید در جهت

۱. ن. ک: عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو.

۲. ن. ک: برنارد لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ترجمه: غلامرضا بهروز لک.

۳. ن. ک: عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست، صص ۱۲-۲۰.

۴. ن. ک: استیون لوکس، قدرت نگرشی رادیکال، ترجمه: عماد افروغ.



مدیریت کلی جامعه باشد. امروزه با توجه به تخصصی شدن و جزئی‌تر شدن نگرش‌ها و جدا شدن علوم انسانی از فلسفه، برخی افعال دیگر چون مدیریت به این معنا داخل سیاست می‌شوند. اما به هر حال اگر رابطه قدرت را در رهبری کلان جامعه در نظر بگیریم، این جا فعل سیاسی رخ می‌دهد. در رشته مدیریت هم ممکن است چنین نگاهی باشد، اما فعل سیاسی، کلان‌تر و کلی‌تر از صرف رابطه مدیریتی در یک عرصه خاص است.

### رویکردهای عمده به فعل سیاسی

اگر چنین تلقی‌ای از سیاست را مد نظر قرار دهیم، حداقل سه رویکرد کلان نسبت به سیاست وجود دارد. اولین رویکرد، رویکردهای عمدتاً کلاسیک هستند. رویکردهای کلاسیک سیاست را به منظور دستیابی افراد جامعه به فضیلت در نظر می‌گیرند. در واقع، غایت فعل سیاسی معطوف به فضیلت است.<sup>۱</sup> در یونان باستان با سقراط، فضیلت در زندگی سیاسی محوریت می‌یابد. در بحث‌های افلاطون و ارسطو هم این نگرش برجسته است. در مسیحیت هم زندگی سیاسی ابزاری است برای شهر آسمانی، برای دستیابی به سعادت. در شهر آسمانی که آگوستین مطرح می‌کند، دولت در استخدام کلیساست و لذا کلیسا همانند سر می‌شود و دولت همانند بدن. در سنت اسلامی نیز نگرش به سیاست برای نیل به زمینه سازی سعادت و فضیلت می‌باشد. این بحث در متون اسلامی کاملاً برجسته است و در مباحث اندیشمندان مسلمان چون فارابی نیز به خوبی منعکس شده است.

رویکرد به سیاست در دوران مدرن تغییر پیدا می‌کند. در دوران مدرن رویکرد به سیاست، نه برای به دست آوردن فضیلت است، بلکه برای بدست آوردن آزادی است. در واقع، غایت سیاست آزادی است. فضیلت امری شخصی می‌شود که هر کس آن را به شیوه خاصی که می‌خواهد دنبال می‌کند. دغدغه اندیشمندان مدرن - غیر از کانت - مثل توماس هابز و جان لاک، آزادی است؛ یعنی چگونه سیاست تنظیم شود تا آزادی فرد تأمین گردد. در فلسفه سیاسی کانت، بحث سعادت و فضیلت جایی ندارد. او مفهوم خیر اخلاقی را در سیاست مطرح

۱. ن. ک: ویلیام بلوم، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه: احمد تدین.



می‌کند، ولی چون مبنای وظیفه‌گرایانه یا اخلاق وظیفه‌گرایانه دارد و دغدغه‌اش انجام وظیفه است، در پی این نیست که غایتی به نام سعادت یا فضیلت به دست بیاید.

اصلاً در فلسفه کانت رسیدن به سعادت مطرح نیست، بلکه شما باید طوری رفتار کنید که عمل خود را براساس وظیفه انجام دهید. یعنی مبنای کانت اخلاق وظیفه‌گرایانه است. اما در بحث فضیلت‌گرایان ما خیر را انجام می‌دهیم که به سعادت برسیم.

در نگرش‌های پست مدرن، دغدغه آزادی جای خودش را به دغدغه قدرت و رابطه قدرت می‌دهد. اصطلاحی در پست مدرن‌ها مطرح است به نام «امر سیاسی»<sup>۱</sup>. «امر سیاسی» عبارت است از نزاع همیشگی و دائمی در عرصه رابطه اجتماعی انسان‌ها. در واقع، سیاست همواره معطوف به قدرت است. در این اندیشه، تأکید و تمرکز بر فضیلت یا آزادی صورت نمی‌گیرد. قدرت در همه جا حاضر است و تعیین‌کننده است. ویژگی اصلی نگرش‌های پسامدرن را می‌توان نفی روایت کلان و مرگ سوژه محوری مدرن دانست. در پسامدرن‌ها، قدرت تنها در لایه‌های سطحی آن مد نظر قرار نمی‌گیرد، بلکه قدرت در تار و پود زندگی انسان‌ها رخنه و انسان را در دام خود اسیر می‌کند. برخلاف نگرش مدرن به سیاست و قدرت که در آن انسان محوری اقتضا می‌کرد که خواست انسان‌ها بر اساس حقوق طبیعی از پیش موجود رعایت شود و حقوق بشر محور باشد. در پسامدرن‌ها هیچ نگرش کلان و کلی پذیرفته نمی‌شود. آنچه واقعیت دارد تنها عرصه رقابت و نزاع بر سر منافع است. در این نگرش، قدرت است که تعیین‌کننده است. حتی در بحث‌های کسانی مثل فوکو، قدرت است که دانش متناسب با خود را می‌سازد. این‌جا حتی قدرت، منشأ خود را پنهان می‌سازد و امکان شناسایی آن به راحتی وجود ندارد. پس در نگرش پسامدرن‌ها زندگی بشر همواره در دام قدرت و رقابت انسان‌ها و منافع آن‌ها گرفتار است. از این رو، سیاست نیز صرفاً تعدیل این خشونت قدرت است. این‌جا بین امر سیاسی و سیاست از این جهت تفاوت گذاشته می‌شود که امر سیاسی همواره رابطه قدرت تعدیل نشده و خشن است؛ اما سیاست تا حدی سعی می‌کند خشونت‌های تعدیل نشده را تعدیل نماید. پس سیاست عبارتست از تعدیل روابط خشن قدرت به روابط غیر خشن. یعنی از تخاصم به رقابت و نزاع می‌رسیم.

این که فضیلت و آزادی چیست، در واقع، آزادی یک روایت کلان بود که مدرن‌ها مطرح می‌کردند. در پست مدرن‌ها، قدرت مطرح است، اما تلاش می‌شود با شناسایی کانون‌های قدرت تا حد امکان رهایی انسان از سیطره‌های قدرت مطرح شود. البته در نهایت گریزی از این کانون‌ها و تأثیرات قدرت وجود ندارد، اما سعی می‌شود با شالوده شکنی قدرت‌های تثبیت شده، امکانات و احتمالات پنهان دیگر کشف شود. یعنی در این جا از آزادی به رهایی تعبیر می‌شود. پس در پست مدرن، سیاست همواره معطوف به رابطه قدرت است. اگر چنین نگرشی را ما به پست مدرن داشته باشیم، کسانی مثل کلیون و سوفسطائیان هم به سیاست، چنین نگرشی را داشتند. آنان می‌گفتند عدالت و سیاست، تأمین منافع ثروتمندان و زورمندان است.

### رویکرد به سیاست و مفهوم آن در دکتترین مهدویت

رویکرد به سیاست در تفکر اسلامی، رویکردی غایت‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه است. حتی مفهوم سیاست در تفکر اسلامی دقیق‌تر از دیگر نگرش‌های غایت‌گرایانه است. تفاوت نگرش اسلامی با نگرش غایت‌گرایانه یونان باستان این است که سعادت را غایت حرکت انسان می‌داند. که هم دنیا و هم آخرت و جهان دیگر او را در بر گیرد. یعنی سیاست اسلامی فرایندی است که ضمن زمینه‌سازی فضیلت در این دنیا، زمینه سعادت اخروی را هم تأمین می‌کند. در مباحث سیاسی مهدویت، چنین تلقی‌ای از سیاست داریم. یعنی اگر بگوییم سیاست عبارتست از این که کسانی هستند که دیگران را هدایت می‌نمایند، ماهیت سیاست و جهت‌گیری آن براساس راهبرد به فضیلت شکل می‌گیرد. در مباحث مهدویت چنین مفهومی از سیاست مراد است.

در این مباحث یا خود فعل سیاسی مد نظر است یا دانش به چنین فعلی. البته باید توجه داشت که در مباحث مهدویت، ما از فعل سیاسی معطوف به سعادت بحث می‌کنیم. اما گاه علاوه بر مباحث معطوف به سعادت، از باب رابطه تضاد، از مضادات سیاست مهدوی نیز بحث می‌شود. همانطور که در اندیشه سیاسی فارابی، محور بحث مدینه فاضله است، اما از مضادات مدینه فاضله هم بحث می‌شود. پس در مباحث سیاسی مهدویت، رویکرد به سیاست همان رویکرد فضیلت‌گرایانه و مضاداتش هست. از این رو، گاهی مسائلی را در مباحث مهدویت

می‌بینیم که از اصل مباحث مهدویت خارج است، اما به دلیل رابطه تضاد این بحث‌ها هم به نوعی وارد بحث سیاسی مهدویت می‌شوند.

### ضرورت طرح مباحث سیاسی مهدویت

برای ضرورت طرح مباحث سیاسی مهدویت در شرایط امروز، دلایلی را می‌توان مطرح کرد. این دلایل عبارتند از:

۱. **آموزه اعتقادی امامت و استلزامات سیاسی آن.** مهدویت به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با مسأله امامت، آموزه‌ای اعتقادی است. امامت همواره به عنوان رکن اعتقادی شیعه مطرح بوده است و شیعه را با آن می‌شناخته‌اند. در شرایط امروز نیز شناخت امام و تبعیت از وی، اصلی اعتقادی است. مؤمن شیعی هنگامی درست آیین خواهد بود که بتواند امام معصوم و امام زمان خویش را بشناسد و از وی تبعیت کند. حضرت مهدی علیه السلام هم یکی از دوازده جانشین منصوص پیامبر گرامی اسلام است و مصداق تام امامت در عصر حاضر می‌باشد. آموزه امامت از همان ابتدا بُعد سیاسی مهمی در جامعه اسلامی داشته است و به تعبیر شهرستانی در کتاب *ملل و نحل* برای هیچ موضوعی به اندازه امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیرها برهنه نشده و خون ریخته نشده است. از این رو، شناخت امام معصوم و پیروی از وی بیانگر راه حق و تمایز آن از باطل است. یعنی در عصر حاضر، اصل تولی و تبری اقتضا می‌کند امام معصوم را بشناسیم و با اظهار وفاداری و تولی به وی و دوستدارانش از دشمنانش بیزاری بجوئیم. بدین جهت با شناخت حق لازم است از آن پیروی شود و از باطل تبری و براءت شود.

۲. **نقش مهدویت در هویت بخشی به زندگی سیاسی-اجتماعی ما.** علاوه بر ضرورت اعتقاد به چیستی امامت و مصداق آن، مهدویت سازنده هویت ماست. کانون بحث هویت این است که ما چه کسی هستیم؟ و چگونه تعریف می‌شویم؟ و وجوه تمایز ما از دیگران چیست؟ یکی از رویکردها به تعریف هویت، تعیین واژگان نهایی ماست. طبق تعریف رورتی، مراد از واژگان نهایی آن است که اگر از کسانی بخواهیم آرمان‌های خودشان را تعریف کنند از یک‌سری ایده‌ها و مفاهیمی سخن می‌گویند که فراتر از آن‌ها، تکرار مکررات است. وقتی ما می‌خواهیم از هویت خودمان یا آنچه آرمان ماست صحبت کنیم، ناخواسته باید به امام

زمان ص تمسک بجوییم. یعنی اگر ما به عنوان شیعه واقعی خودمان را بخواهیم تعریف کنیم، باید به آرمانی‌ترین واژگانمان خود را تعریف کنیم. این همان واژگان نهایی ماست. نام شیعه خود روشنی بخش است. شیعه یعنی پیرو، یعنی پیرو اهل بیت علیهم‌السلام. بدین سبب ما در نام و تعریف خویش، همواره با اهل بیت عصمت و طهارت و در این زمان با حضرت ولی عصر علیه‌السلام تعریف می‌شویم. چنین تعریفی در دعای شریف زیر نیز به خوبی منعکس شده است:

اللهم عرفنی نفسک، فانک ان لم تعرفنی نفسک لم أعرف رسولک، اللهم  
عرفنی رسولک، فانک ان لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک. اللهم  
عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.

در روایات فریقین نیز نقل شده است که آن حضرت می‌فرماید:

«من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة».

«آن کس که بدون شناخت امام معصوم زمانش بمیرد، مانند دوران جاهلیت پیش از اسلام با کفر و شرک از دنیا رفته است».

یعنی اصلا هویت و زندگی اسلامی، دایره مدار شناخت امام زمان است. یعنی عملاً ما چه کسی هستیم؟ و با چه کسی تعریف می‌شویم؟ با امام زمان خودمان علیه‌السلام. پس از این جهت، خودشناسی ما مستلزم شناخت مهدویت است. نیز بدین جهت است که ما در عرصه سیاسی هم هویت سیاسی خود را با امام زمان خویش تعریف می‌کنیم. وجوه تفاوت و تمایز ما از جریانات سیاسی دیگر و حکومت‌های غاصب زمان ما، تعلق خاطر ما به دولت مهدوی و حکومت جانشینان برحق آن حضرت می‌باشد.

۳. بحران ایدئولوژی‌های بشری در جهان امروز. سومین دلیل ضرورت طرح مباحث سیاسی مهدویت در عصر حاضر، نیاز انسان امروز به شناخت بهترین الگوهای نظام سیاسی و حکومت‌داری است. انسان امروز حکومت‌ها و دولت‌های بسیاری را دیده و از بسیاری از این حکومت‌ها سرخورده شده است. ایدئولوژی‌هایی که در صدد ارائه مدل‌های مختلفی از زندگی سیاسی بوده‌اند، امروزه با بحران مواجه شده‌اند. روایتی داریم که می‌فرماید:

«پیش از قیام قائم، همه اقوام و گروه‌ها به حکومت خواهند رسید. این بدان جهت است که نگویند اگر ما فرصت حکومت پیدا می‌کردیم، عدالت را به پا می‌داشتیم و شیوه دیگری داشتیم و انسان‌ها را به سعادت می‌رساندیم».

تاویل این روایت و نگرش نمادین آن این است که هر ایده و تفکر و مرامی به حکومت می‌رسد، اما همگی ناکام می‌مانند. در شرایط کنونی هم، ما شاهد هستیم مکتب‌ها و جریانات فکری مختلفی آمده‌اند و رفته‌اند. ما به کدام یک باید دل ببندیم. در زمان ما که عصر پایان مکتب‌ها و در واقع دوران افول مکتب‌ها و قرائت‌های کلان است، این دغدغه بیش‌تر احساس می‌شود. دنیای مدرن سعی کرد در این چند سده اخیر بهترین راه حل را نشان دهد. اما خود مدرنیته غربی نیز با بحران مواجه شده است و نقدهایی که پسامدرن‌ها از درون بر آن مطرح کرده‌اند، حاکی از بحران درونی تفکر مدرنیسم غربی است. حال این پرسش پیش‌روی انسان امروز مطرح است که جایگزین مناسب چیست؟ عده‌ای دل خوش کرده‌اند که لیبرالیسم جواب بدهد. اما لیبرالیسم و در کل مدرنیته غربی جواب نمی‌دهد. به هر حال در شرایطی که این ایدئولوژی‌ها و مکاتب افول می‌کنند انسان‌ها به دنبال ایده‌های با ثبات‌تری هستند. پس از این جهت ما می‌توانیم آموزه حکومت اسلامی و در رأس آن مدینه فاضله مهدوی را ارائه کنیم.

#### ۴. احیای اسلام‌گرایی و توجه جهان امروز به سیاست و مدینه فاضله اسلامی. در واقع

اسلام‌گرایی که در شرایط امروز جهان رو به گسترش است، یک جامعه آرمانی و مطلوب دارد. صحبت از آرمان اسلام‌گرایی، صحبت از مدینه فاضله مهدوی است. پس اگر آرمان‌نهایی اسلام‌گرایی را بخواهیم هر چه شفاف‌تر توضیح بدهیم، راهی جز توضیح مدینه فاضله مهدوی نخواهیم داشت.

#### ۵. تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه امروز با الگوی مدینه فاضله مهدوی. یکی از

دلایل ضرورت شناسایی و پرداختن به مباحث سیاسی مهدویت، ضرورت‌های زندگی سیاسی امروز ماست. اگر ما امروزه در جهان اسلام بخواهیم وضعیت سیاسی خویش را سامان دهیم، می‌بایست بر اساس الگوی آرمانی خویش به ساختن جامعه امروزی بپردازیم. الگوی آرمانی ما در آینده است. البته الگویی نیز در گذشته و در صدر اسلام داریم، یعنی در سنت نبوی و سنت علوی. اما این الگوها به دلیل شرایط تاریخی خاص خویش نتوانستند آرمان‌نهایی نظام اسلامی را محقق کنند و همواره چالش‌ها و مشکلاتی در برابر آن‌ها وجود داشته است. اما مدینه فاضله مهدوی کامل‌ترین نظام سیاسی اسلام است. در واقع می‌بایست هم با نگاه به گذشته محقق و هم آینده آرمانی، زندگی سیاسی امروز خویش را سامان بخشیم. البته امروزه

کسانی پیدا شده‌اند که در سنت گذشته تردیدهایی کرده‌اند. مثل این تردید که آیا اصلاً پیامبر گرامی اسلام مأمور به تشکیل حکومت دینی بوده است یا نه؟ آیا حضرت علی علیه السلام صرفاً به جهت انتخاب مردم و بیعت آنان حکومت را پذیرفت یا مأموریتی الهی داشت؟ هر چند یک راه رویارویی با چنین مباحث و شبهاتی، ارائه استدلال‌های تاریخی و کلامی برای توضیح گذشته است، راه دیگر نیز ارجاع به آینده است. بسیاری از این افراد که در گذشته تردید می‌کنند در آینده تردیدی ندارند. در این تردیدی ندارند که سرانجام منجی موعود از جانب خداوند برانگیخته خواهد شد و حکومت دینی جهانی تشکیل خواهد داد. برای بحث با این افراد می‌توان به آینده شناسی روی آورد و آرمان‌نهایی را توضیح داد.

البته شناسایی آینده از جهت دیگری نیز ضرورت دارد. همواره آینده راهنمای امروز است. اگر ما آینده‌شناسی قوی‌ای داشته باشیم، حال شناسی ما هم قوی شکل خواهد گرفت. کسانی که نگاه روشنی به آینده ندارند، حال خویش را نیز نمی‌توانند خوب بشناسند. از این جهت آینده شناسی ارتباط وثیقی با زندگی امروز دارد و برای ساختن و تنظیم زندگی سیاسی امروز خویش باید به آینده موعود روی آورد.

**ع. بحران عدالت و توجه به منجی‌گرایی در جهان امروز.** یکی دیگر از دلایل لزوم پرداختن به مباحث سیاسی مهدویت، بحران عدالت در عصر حاضر است. امروزه بحران عدالت به تدریج به بحرانی فراگیر تبدیل می‌شود. ما در روایات داریم که منجی موعود هنگامی ظهور خواهد کرد که زمین از ظلم و جور پر گردد. تلقی من این است که ظلم و جور در روزگاران گذشته، این طور نبود که کل جهان را بتواند یکجا در بر بگیرد. در واقع وضع جهان از این حیث چند هوایی بوده است. مناطق جهان به دلیل فاصله مکانی - زمانی نسبتاً مستقل بودند. یکجا عدالت بود، یکجا ظلم. اما این تعبیر که می‌گوید جهان را ظلم و جور فرا خواهد گرفت، با شرایطی که ما در حال حاضر زندگی می‌کنیم، به سمت و سوی می‌رویم که دیگر ظلم، متعلق به منطقه خاصی نیست. ظلم چیزی می‌شود که کل جهان را در بر می‌گیرد. از این جهت من فکر می‌کنم که بحث ظلم و بحران عدالت دارد یک بحث جهانی می‌شود. یعنی این طور نیست که یک عده راحت باشند و یک عده ناراحت. عامل اصلی گسترش بحران عدالت و جهان شمول شدن آن نیز خود پدیده جهانی شدن است. حتی آن کسی که در غرب زندگی



می‌کند، مسأله عدالت برایش مطرح است. چرا راهپیمایی‌های گسترده که علیه جهانی شدن اقتصاد صورت می‌گیرد، در غرب بیش‌تر است؟ این بدان جهت است که حتی مردمان عادی در غرب نیز تحت تأثیر بی‌عدالتی در جهان امروز هستند. البته این بدان معنا نیست که آن شرایط فراگیر شدن ظلم و جور الان محقق شده است و ظهور محقق خواهد شد. بلکه مراد آن است که رفته رفته جهان به سمت بی‌عدالتی و ظلم فراگیر در حال حرکت است و لازمه رفع و مبارزه با این بی‌عدالتی‌ها نیز، معرفی آرمان عدالت مهدوی است.

**۷. جهانی شدن و چشم انداز فرج.** بحث جهانی شدن هم خود دلیل دیگری برای ضرورت طرح مباحث سیاسی مهدویت است. جهانی شدن ایجاب می‌کند انسان‌ها الان در شرایطی زندگی کنند که صحبت از یک جامعه آرمانی و فراگیر جهانی است. آیا ماهیت این زندگی جهانی چگونه خواهد بود؟ آیا با جامعه موعود جهانی ادیان چه نسبتی دارد؟ این بحث هم اقتضا می‌کند که به مباحث سیاسی مهدویت بیش‌تر بپردازیم.

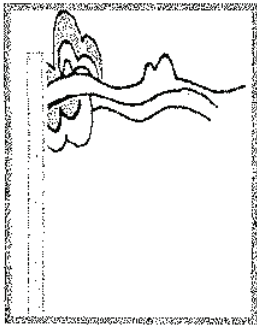
البته بحث‌های مربوط به جهانی شدن و ارتباط آن با بحث مهدویت اسلامی بسیار گسترده است که نمونه‌هایی از آن در این اثر مطرح شده است و برخی از مسائل آن نیز در این نوشتار توضیح داده خواهد شد.

**۸. فعالیت گروه‌های انحرافی مهدویت نیز ضرورت تبیین صحیح ابعاد سیاسی مهدویت را ایجاب می‌کند.** بحث جریان‌های انحرافی هم که الان بیش‌تر است و از قبل هم بوده به نوعی بحث‌هایی مثل انجمن حجتیه، بهائیت، البته بهائیت بعد سیاسی‌اش کمتر است و بیشتر بعد اعتقادی و دینی‌اش است. اما همین بعد اعتقادی تأثیرات سیاسی هم دارد. ولی مستقیماً جریان‌های انجمن حجتیه، شاید آن دیدگاه‌های تعلیق حکومت و ... در آنها مستقیماً بحث سیاست مطرح است.

در نهایت، آخرین دلیلی که من احساس می‌کنم بدان جهت طرح مباحث سیاسی مهدویت ضرورت دارد، این است که غرب با آموزه‌های مهدویت ما به منازعه و چالش برخاسته است. در واقع، غرب برای این که خودش را توجیه کند، آموزه ما را به صورت منفی ارائه می‌دهد. یعنی امام زمانی که ما داریم، شمشیر و قهر و جنگش برجسته است. یا به صورت کلی، آن تلقی‌های نادرستی که آن‌ها نسبت به مهدویت القا می‌کنند، این هم اقتضا می‌کند که ما خودمان این آموزه را شفاف‌تر و دقیق‌تر ارائه دهیم.



## طبقه بندی مباحث سیاسی مهدویت



برای طبقه بندی مباحث سیاسی مهدویت می توان به دو شیوه عمل کرد: شیوه اول این است که به تناسب همهرشته ها و گرایش های مطالعات سیاسی، مباحث سیاسی مهدویت را شناسایی نماییم. این جا

نیز باید بین شاخه های اصلی مطالعات سیاسی و مطالعات بین رشته ای تمایز قائل شد. طبق این شیوه اگر ما علم سیاست، جامعه شناسی سیاسی، فلسفه سیاسی داریم، یا اگر گرایش های میان رشته ای همانند جغرافیای سیاسی، اقتصاد سیاسی و روانشناسی سیاسی داریم، در هر کدام مسائل مربوط به مهدویت را شناسایی و احصا کنیم و در پژوهش های سیاسی مهدویت استفاده نماییم. این شیوه هر چند خیلی ایده آل و فراگیر است، اما فایده و کاربرد آن در شرایط کنونی خیلی کم است. شاید در میان مدت یا در بلند مدت بتوانیم مسائل جغرافیای سیاسی مهدویت را بررسی کنیم، اما در کوتاه مدت هنوز زمینه های بررسی این مسائل کاملاً شفاف و روشن نیست. این بدین معنا نیست که هیچ مسأله مهم و حایز اهمیت سیاسی در این زمینه وجود ندارد، بلکه مراد این است که در شرایط کنونی به رغم مطالعات انجام شده و زحماتی که علمای بزرگوار ما در وادی معارف مهدوی متحمل شده اند، هنوز مسائل بسیاری در حوزه های اصلی باقی است که ابتدا باید بدانها پرداخت و به لحاظ نگرش کاربردی و اولویت دادن به مسائل مهم تر، صرفاً به شناسایی و بررسی مسائلی پرداخت که امروزه در وادی مباحث سیاسی مهدویت بیش تر مبتلا به هستند و بررسی آنها ضرورت بیش تری دارد.

شیوه دوم شناسایی مسائل سیاسی مهدویت این است که به جای پرداختن به تمامی حوزه ها و گرایش های مهم سیاسی، صرفاً به مسأله شناسی حوزه های مهم و کاربردی مباحث سیاسی مهدویت بپردازیم. این کار را می توان با شناسایی حوزه های اصلی اندیشه سیاسی اسلام انجام داد. البته در فرصت مناسب و با توسعه مباحث مهدویت لازم است در رویکردی مجدد، مباحث مهدویت را بر اساس تمامی حوزه ها و گرایش های سیاسی مهدویت بررسی کنیم. مزیت شیوه دوم این است که ما را به مباحث مورد نیاز امروز جامعه اسلامی نزدیک تر می کند و طبعاً تأمین نیازهای امروز را مد نظر قرار می دهد. چنین نگرشی را می توان به نوعی نگرشی کاربردی و مبتنی بر ضرورت ها دانست. البته چنان که گذشت، هر چند چنین شیوه ای از

مزیت کاربردی بودن برخوردار است، شیوهٔ جامعی نیست و مباحثی از قلمرو بررسی خارج می‌ماند که لازم است در فرصت مناسب تکمیل شود.

### طبقه‌بندی مسائل سیاسی مهدویت

پیش از طبقه‌بندی مباحث سیاسی مهدویت توجه به این نکته ضروری است که برخی از مسائل سیاسی مهدویت را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. از این جهت شاید مسأله خاصی را بتوان از منظرها و در نتیجه در طبقه‌بندی‌های مختلف مطرح کرد. به عنوان مثال ضرورت وجود امام و رهبر در جامعه که عنوانی خاص است، گاه از منظر کلام سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و گاه از منظر فقه سیاسی یا فلسفه سیاسی. لذا این امر موجب تداخل طبقه‌بندی مسائل سیاسی مهدویت نمی‌شود و باید به بُعد و حیثیت بررسی یک مسأله در جایگاه و طبقه‌بندی خود توجه نمود. به نظر می‌رسد می‌توان مباحث مهدویت را از منظر کاربردی در شش گروه عمده طبقه‌بندی نمود.

#### الف) کلیات و مبانی مباحث سیاسی مهدویت

در این بخش مباحث زمینه‌ساز که مقدمات مباحث سیاسی مهدویت اسلامی را تشکیل می‌دهند، بررسی می‌شوند. مباحثی چون مستندات و منابع آموزه مهدویت اسلامی و هم چنین برخی از مباحثی را که نمی‌توان در دیگر بخش‌های مباحث سیاسی مهدویت مطرح نمود، می‌توان در این بخش مطرح نمود. عمده‌ترین مباحث سیاسی مهدویت در این بخش عبارتند از:

۱. طبقه‌بندی مفاهیم سیاسی احادیث مهدویت اسلامی؛
۲. بررسی تحولات نشانه‌شناختی مفاهیم سیاسی مهدویت در تاریخ اسلام؛
۳. منبع‌شناسی مباحث سیاسی مهدویت؛
۴. نقش عقل در مباحث سیاسی مهدویت؛
۵. نقش نقل در مباحث سیاسی مهدویت؛
۶. نقش شهود و امور ذوقی در مباحث سیاسی مهدویت؛
۷. نقش تجربه در مباحث سیاسی مهدویت؛
۸. تحلیل معنی‌شناختی مفاهیم سیاسی دعای ندبه؛

۹. تحلیل معنی شناختی مفاهیم سیاسی ادعیه مهدویت (به جز دعای ندبه)؛
۱۰. نقش اخبار موضوعه در تحریف مباحث سیاسی مهدویت در تاریخ اسلام؛
۱۱. بررسی رویکردها و عملکردهای حکام جور در باب احادیث مهدویت؛
۱۲. مفهوم شناسی نجات در منجی‌گرایی اسلامی؛
۱۳. تحلیل مفاهیم سیاسی توقعات شریف؛
۱۴. مفهوم شناسی استضعاف و حاکمیت مستضعفان در قرآن کریم؛
۱۵. بررسی مصادیق سوء استفاده حاکمان غاصب و جائز از اخبار ملاحم؛
۱۶. بررسی و تحلیل مفاهیم سیاسی مهدویت در قرآن کریم؛
۱۷. بررسی تأثیرات اخبار مهدویت در تحولات سیاسی صدر اسلام؛
۱۸. تحلیل مفاهیم سیاسی مهدویت در کلام نبوی ﷺ؛
۱۹. تحلیل مفاهیم سیاسی مهدویت در نهج البلاغه؛
۲۰. تحلیل مفاهیم سیاسی مهدویت در صحیفه سجادیه؛
۲۱. تحلیل مفاهیم سیاسی مهدویت در کلام امامان معصومین علیهم‌السلام (به تفکیک)؛
۲۲. و ...

#### ب) مباحث کلام سیاسی مهدویت

کلام سیاسی یکی از حوزه‌های اصلی معرفت سیاسی اسلامی است. در تعریفی اجمالی می‌توان کلام سیاسی را چنین تعریف کرد: «کلام سیاسی شاخه‌ای از علم کلام است که به تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های کلان دین در باب مسائل و امور سیاسی می‌پردازد و از آن‌ها در قبال دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب دفاع می‌نماید.»<sup>۱</sup> برخی هم کلام سیاسی را به آموزه‌های سیاسی برگرفته از وحی تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup> چنین تعریفی به نوعی شامل مباحث فقه سیاسی نیز می‌گردد و در نتیجه مانع نیست. دغدغه اصلی کلام سیاسی سه امر است: شناسایی دقیق مواضع و دیدگاه‌های کلان دین در باب زندگی سیاسی؛ تبیین و استدلال برای آن‌ها؛ و در نهایت دفاع از این دیدگاه‌ها در قبال شبهات و دیدگاه‌های رقیب. چنان‌که از تعریف کلام

۱. ن.ک: غلامرضا بهروز لک، «چیستی کلام سیاسی»، مجله قیسات، ۱۳۸۲، ش ۲۸.

۲. ن.ک: لوی اشترواس، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه: فرهنگ رجایی.

سیاسی بر می‌آید، کلام سیاسی معطوف به دیدگاه‌های کلان سیاسی اسلام است و هرگز وارد مسائل جزئی نمی‌شود. پرداختن به مسائل سیاسی جزئی از منظر حقوق و تکالیف، چنان‌که توضیح خواهیم داد، شأن فقه سیاسی است. البته گرایش‌های دیگری نیز در استخراج دیدگاه‌های سیاسی دین اسلام وجود دارد مانند حدیث‌شناسی سیاسی؛ تفسیر سیاسی؛ عرفان سیاسی. تفاوت کلام سیاسی نیز با هر کدام از این حوزه‌ها، دغدغه دفاعی کلام سیاسی از اصول و مبانی دینی است. کلام سیاسی با فلسفه سیاسی نیز متفاوت است که در بخش فلسفه سیاسی آن را توضیح خواهیم داد.

به نظر می‌رسد بسیاری از مباحث سیاسی مهدویت از منظر کلام سیاسی قابل طرح و بررسی است. در نگاهی کلان می‌توان حداقل سه حوزه اصلی را برای مباحث کلام سیاسی مهدویت شناسایی نمود: تبیین اصل آموزه مهدویت در اسلام؛ بررسی مسأله عصر غیبت و زندگی سیاسی در آن؛ تبیین مدینه فاضله مهدوی و مباحث مربوط به آن. مهدویت یک آموزه اعتقادی دینی است و با توجه به ارتباط آن با مسأله امامت و رهبری در جامعه اسلامی از یک سو و تجلّی مدینه فاضله اسلامی در دولت مهدوی، ابعاد سیاسی مهمی دارد. از این حیث کلام سیاسی می‌بایست ضمن تبیین مسائل مهدویت اسلامی به عنوان آموزه اعتقادی، استدلال‌های مناسب را به شیوه‌های مختلف عقلی، نقلی و تجربی برای آن ارائه نماید و از آن در برابر دیدگاه‌های رقیب دفاع نماید. از این رو اصل اثبات آموزه مهدویت در اسلام یک مسأله کلامی است. مسأله اساسی دیگر در این زمینه تبیین ضرورت، خصوصیات و ویژگی‌های مدینه فاضله مهدوی است. مسأله غیبت و وضعیت سیاسی جامعه اسلامی در این عصر نیز بحث سیاسی مهم دیگری است که لازم است در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. البته مسأله مهدویت در اسلام مانند اصل مسأله امامت و رهبری در جامعه اسلامی دارای مسائل ریز و فرعی‌تری نیز می‌باشد که برخی از این مسائل عبارتند از:

#### ب- ۱) مبانی و مباحث بنیادین سیاسی مهدویت در اسلام

۱. مهدویت و مبانی مشروعیت نظام اسلامی در اسلام؛
۲. مبانی انسان‌شناختی آموزه مهدویت در اسلام؛
۳. مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آموزه مهدویت در اسلام؛
۴. غایت زندگی سیاسی در آموزه مهدویت اسلامی؛
۵. مفهوم‌شناسی سیاست در آموزه مهدویت؛

۶. مفهوم جامعه و زندگی اجتماعی در مهدویت اسلامی؛
۷. نقش و جایگاه مهدویت در اندیشه سیاسی اسلام؛
۸. مهدویت و نسبت دین و سیاست در اسلام؛
۹. مهدویت و مسأله انتظار بشر از دین در عرصه سیاسی - اجتماعی؛
۱۰. مفهوم شناسی منجی‌گرایی در عرصه سیاسی - اجتماعی؛
۱۱. مهدویت و مسأله انتصابی بودن امام معصوم؛
۱۲. مهدویت و ضرورت حکومت دینی؛
۱۳. ادله انتصاب امام مهدی عج به امامت؛
۱۴. صفات و ویژگی‌های سیاسی منجی در اسلام؛
۱۵. محدودیت‌های شناخت بشری در گزینش منجی؛
۱۶. نقش مردم در شناخت و گزینش منجی موعود؛
۱۷. مردم سالاری و مهدویت اسلامی؛
۱۸. مفهوم شناسی آزادی و عدالت در آموزه مهدویت اسلامی؛
۱۹. مهدویت و تحزب در جامعه اسلامی؛
۲۰. مهدویت و نظام سیاسی امامت؛
۲۱. مهدویت و نظام سیاسی خلافت؛
۲۲. مهدویت و فضیلت‌گرایی سیاسی؛
۲۳. مهدویت و تجلی انسان کامل در رهبری سیاسی - اجتماعی؛
۲۴. مهدویت و مسأله انسان کامل در تفکر اسلامی.

ب- (۲) مهدویت و وضعیت سیاسی شیعه در عصر غیبت

برخی از مسائل کلام سیاسی مهدویت به دوره غیبت امام معصوم علیه السلام مربوط می‌شوند. این

مباحث شامل مباحث گسترده‌ای می‌شوند که نمونه‌هایی از آن عبارتست از:

۱. بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی غیبت حضرت مهدی علیه السلام؛
۲. چگونگی ارتباط امام غایب با جامعه اسلامی؛
۳. استراتژی انتظار در عصر غیبت؛
۴. نقش و جایگاه نواب خاص در تنظیم زندگی سیاسی جامعه اسلامی عصر غیبت صغری؛

۵. وظایف سیاسی جامعه منتظر در اسلام؛
۶. وظایف سیاسی منتظران در اسلام؛
۷. ولایت فقیه و مسأله حکومت در عصر غیبت؛
۸. بررسی نظریه‌های سیاسی شیعه در عصر غیبت؛
۹. بررسی و نقد نظریه تعلیق حکومت در عصر غیبت؛
۱۰. کار ویژه‌های سیاسی - اجتماعی امام غایب؛
۱۱. جانشینان امام غایب در عصر غیبت؛
۱۲. ماهیت‌شناسی زندگی سیاسی در عصر حضور و غیبت؛
۱۳. جایگاه عصر غیبت در تکامل انسانها از منظر کلام سیاسی شیعه؛
۱۴. ابعاد سیاسی - اجتماعی فلسفه عصر غیبت در حکمت الهی؛
۱۵. نقش طولانی شدن عصر غیبت در تحول و تکامل بشری؛
۱۶. نقش و جایگاه غیبت منجی در اندیشه سیاسی اهل سنت؛
۱۷. ابعاد سیاسی - اجتماعی فقدان لطف تصرف در عصر غیبت و جایگزین‌های آن در عدل الهی؛
۱۸. ولایت فقیه و نقش فقها در تنظیم زندگی سیاسی عصر غیبت؛
۱۹. حدود اختیارات فقها در تنظیم زندگی سیاسی عصر غیبت؛
۲۰. ظرفیت‌های حکومت ولایی در تحقق آرمان‌های نظام سیاسی مهدوی؛
۲۱. نقش مردم در نظام سیاسی عصر غیبت؛
۲۲. مفهوم‌شناسی غصب و جور در عصر غیبت؛
۲۳. زمینه‌ها و عوامل سیاسی - اجتماعی غیبت در اسلام؛
۲۴. حدود آزادی سیاسی در نظام ولایی؛
۲۵. کارویژه‌های نظام ولایی در عصر غیبت؛
۲۶. الگوی بیعت با امام غایب؛
۲۷. چیستی و ماهیت بیعت در نظام ولایی؛
۲۸. اصول و مبانی رأی اکثریت در نظام‌های سیاسی عصر غیبت.

ب- (۳) مهدویت و مدینه فاضله اسلامی

۱. نقش رهبری دینی در نظام مهدوی؛





## ج) مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی‌گرایی

فلسفه سیاسی یکی از حوزه‌های دیرین دانش سیاسی است. تمدن‌های مختلف در طول تاریخ، نگرش‌ها و فلسفه سیاسی خاص خویش را ایجاد نموده‌اند. اندیشمندان اسلامی نیز با الهام از آموزه‌های وحیانی در نخستین سده اسلامی، مباحث عقلی را از کتاب و سنت آموختند و گسترش دادند. دانش کلام دانشی بومی در تمدن اسلامی بوده است که تا پیش از عصر ترجمه، نمایانگر گرایش مسلمانان به مباحث عقلی بوده است. تشویق اسلام به فراگیری دانش و تحمّل مشقّت‌های آن حتی با سفر به اقصا نقاط جهان آن روز، همچون چین، سبب اقبال مسلمانان به دانش‌های تمدن‌های همجوار همچون تمدن ایران باستان و یونان باستان گردید. مسلمانان با تأمل در تعالیم عقلی حکمای یونان و با اخذ و گسترش آن در تمدن اسلامی، مباحث فلسفه سیاسی را نیز در تمدن اسلامی وارد کردند. برخی همچون لمبتون معتقدند که تمدن اسلامی به دلیل غلبه وحی و آموزه‌های دینی، فاقد فلسفه سیاسی بوده و عملاً کلام سیاسی جای فلسفه سیاسی را گرفته است<sup>۱</sup>، یا کسان دیگری از زوال فلسفه سیاسی در تمدن اسلامی سخن گفته‌اند، اما باید اذعان نمود که اندیشمندان اسلامی به‌ویژه متفکران شیعی با رویکرد عقلی به بسط و گسترش مباحث فلسفی پرداخته و در حد امکان خویش آن را در سنت اسلامی تداوم بخشیدند. در این راه موانعی وجود داشته است، اما نمی‌توان تلاش‌های صورت گرفته را در احیای فلسفه سیاسی در دوره‌های مختلف از جمله در سنت حکمت متعالیه صدرالمتهالین نادیده گرفت.

فلسفه سیاسی در صدد کشف و تبیین حقایق سیاسی است. از یک منظر، فلسفه سیاسی در صدد نشانیدن یقین و علم به جای ظن در عرصه سیاسی - اجتماعی است<sup>۲</sup>. فیلسوف سیاسی برخلاف متکلم سیاسی، در صدد تحرّی حقایق است و دغدغه او، اثبات یا دفاع از آموزه‌های دینی به هر روش ممکن نمی‌باشد. بدین جهت اولاً فیلسوف سیاسی در صدد تحرّی حقیقت

۱. ن. ک: کی اس لمبتون، اندیشه سیاسی در دوره میانه اسلام، ترجمه: عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی.

۲. ن. ک: لوی اشترواس، فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه: فرهنگ رجایی، صص ۹-۱۵.

است و سعی می‌کند بدون دغدغه اثبات موضع یا مدّعی خاصی، کار خویش را آغاز کند؛ و ثانياً صرفاً به روش عقلی به بررسی پدیده‌های سیاسی می‌پردازد.

مباحث فلسفه سیاسی به دلیل عقلی بودن، جهان شمول و کلی هستند و احکام عقلی، خاصّ مردمان و جغرافیای مشخصی نیست، اما عملاً در طول تاریخ، گونه‌ها و مکاتب مختلف فلسفه سیاسی ظهور کرده است.

گاه به دلیل ماهیت اعتقادی - باورمنا بودن آموزه‌های دینی و رواج آنان در اجتماعات دیندار، این ادعا مطرح شده است که نمی‌توان در این جوامع از فلسفه سیاسی سخن گفت. یا حداقل در صورت امکان طرح فلسفه سیاسی در این جوامع، نمی‌توان از فلسفه سیاسی مسیحی یا اسلامی سخن گفت و تعبیر فلسفه سیاسی اسلامی تعبیری تناقض آمیز است. زیرا فلسفه سیاسی حاکی از تعقل آزاد است در حالی که قید دین خاصی چون اسلام، سبب تقید تعقل آزاد می‌شود.

در پاسخ به چنین اشکالی باید گفت اگر صرف زمینه‌های اجتماعی مانع تفکر عقلی و آزاد باشد، نمی‌توان هیچ فلسفه سیاسی آزاد داشت. زیرا هر جامعه‌ای دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و در نتیجه بر نحوه تعقل آن جامعه تأثیر می‌گذارد. ثانياً مراد از فلسفه سیاسی اسلامی، نه تفکر محدود بلکه بهره‌گیری از برخی آموزه‌های وحیانی برای مساعدت به عقل در استدلال‌های خود می‌باشد. از این جهت، قید اسلامی در فلسفه سیاسی اسلامی صرفاً بیانگر پیش فرض‌ها و برخی از مبادی خاص پذیرفته شده در فلسفه سیاسی اسلامی است. چنین مبادی‌ای در هر فلسفه سیاسی وجود دارد. ثالثاً در صورتی که فلسفه را صرفاً یک فعالیت بشری ندانیم و هرگونه تفکر منتظم عقلانی را در عرصه سیاسی فلسفه سیاسی بدانیم، در متون اسلامی نیز بسیاری از آموزه‌ها و تبیین‌های عقلانی از پدیده‌های سیاسی - اجتماعی را می‌توان یافت. از این جهت می‌توان از فلسفه سیاسی اسلامی مبتنی بر متون دینی سخن گفت.

با این توضیح می‌توان وارد مباحث فلسفه سیاسی مهدویت شد. هر چند مهدویت از منظری صرفاً یک اعتقاد اسلامی می‌باشد، از منظری دیگر، کلان آموزه فراگیر بوده و حتی در مکاتب بشری نیز گونه‌ای از تحقق جامعه آرمانی در آینده مطرح است. اگر مهدویت را معادل منجی - گرایبی بدانیم آموزه نجات در بسیاری از مکاتب و اندیشه‌های آینده‌نگر مطرح است. البته به رغم اشتراک این مکاتب در اصل آموزه نجات و تحقق جامعه آرمانی در آینده، در جزئیات و

چگونگی آن اختلاف وجود دارد. فلسفه سیاسی مهدویت با عنوان کلان آموزه آرمان شهر و منجی‌گرایی قابل بررسی است. از این جهت برخی از موضوعات کلان فلسفه سیاسی مرتبط با مباحث مهدویت را می‌توان شناسایی کرد:

۱. ضرورت یوتوپیا و آرمان شهر بشری؛
۲. آرمان شهر، رؤیا یا واقعیت؛
۳. مهدویت و مبانی آرمان شهر؛
۴. ساختار آرمان شهر بشری؛
۵. قلمرو آرمان شهر: منطقه‌ای یا جهانی؛
۶. عوامل و زمینه‌های تحقق آرمان شهر؛
۷. نقش رهبران و قهرمانان در تحقق آرمان شهر؛
۸. آرمان شهر، زمینی یا آسمانی؟ بررسی عوامل آسمانی در تحقق آرمان شهر بشری؛
۹. سیما و ویژگی‌های آرمان شهر؛
۱۰. نقش و جایگاه مردم در آرمان شهر؛
۱۱. شیوه‌های تحقق آزادی و عدالت در آرمان شهر؛
۱۲. الگوی توزیع قدرت در آرمان شهر؛
۱۳. غایت زندگی سیاسی در آرمان شهر؛
۱۴. جامعه مدنی در نظام سیاسی مهدوی؛
۱۵. نقش و جایگاه رهبران در آرمان شهر؛
۱۶. کارویژه‌های ساختار سیاسی در آرمان شهر؛
۱۷. مفهوم فضیلت در آرمان شهر؛
۱۸. مضادات آرمان شهر؛
۱۹. ضرورت منجی‌گرایی در تاریخ؛
۲۰. آموزه نجات در فلسفه سیاسی؛
۲۱. مفهوم نجات در آرمان شهر؛
۲۲. چیستی و ضرورت نجات در آرمان شهر؛

۲۳. عوامل محرک در تاریخ و نقش منجی؛  
 ۲۴. سنت‌ها و قوانین تاریخ و جایگاه نجات؛  
 ۲۵. آرمان شهر و بازگشت به حاشیه رانده شدگان (مستضعفان)؛  
 ۲۶. آرمان شهر، پایان نزاع قدرت؛  
 ۲۷. منجی‌گرایی، همسویی خردگرایی و قدسی‌گرایی؛  
 ۲۸. و ...

#### د) مباحث فقه سیاسی مهدویت

فقه سیاسی دانشی است که همانند کلام سیاسی در بستر تمدن اسلامی شکل گرفته و بالندگی یافته است. فقه سیاسی محصول تأمل مسلمانان در چگونگی تنظیم جزئیات برنامه زندگی سیاسی خویش بر اساس آموزه‌های شرعی است. از این جهت یکی از اصیل‌ترین دانش‌های سیاسی مسلمانان است. اگر دانش‌های سیاسی دیگر محصول تعلّم و یادگیری مسلمانان از تمدن‌های دیگر و پرورش آن‌ها در تمدن اسلامی بوده است، اما فقه سیاسی دانشی کاملاً بومی - اسلامی است. در جهان معاصر بحث از حقوق به شیوه‌های مختلفی دنبال می‌شود، فقها نیز در تمدن اسلامی با تلاش سترگ خویش این دانش را در مهد تمدن اسلامی بارور کرده‌اند. روزگاری فقه سیاسی متناسب با نیازهای روزمره جهان اسلام رونق داشته و فعال بوده است، اما در دو سده اخیر در جهان اسلام با رکودهایی مواجه شده است که رشد و احیای اسلام‌گرایی خود زمینه‌های احیا و بالندگی مجدد آن را فراهم ساخته است.

فقه سیاسی در صدد تبیین تکالیف سیاسی جامعه اسلام در سطح فردی، گروهی و اجتماعی است. فارابی در کتاب الملة فقه سیاسی را با فلسفه مدنی در یک ردیف قرار داده است و از مجموعه فلسفه مدنی و فقه مدنی به عنوان علم مدنی عام یاد کرده است. از نظر وی «فقه در بخش عملی ملت شامل چیزهایی است که آن‌ها جزئیات مباحث و مفاهیم کلی در علم مدنی [خاص] هستند و بنابر این، جزئی از اجزای علم مدنی عام بوده و در ذیل فلسفه عملی قرار دارد.»<sup>۱</sup> در تعریفی دیگر، عمید زنجانی معتقد است: «در فقه مباحثی تحت عنوان

۱. ن.ک: ابونصر محمد فارابی، کتاب الملة، به کوشش: محسن مهدی، چاپ شده در فصلنامه علوم سیاسی، ۱۳۷۹، ش ۱۲.

جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسبه، امامت و خلافت، نصب اُمرأ و قُضات... و نظایر آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است که به آنها احکام السلطانیه یا فقه سیاسی گفته می‌شود.<sup>۱</sup> در یک نگرش مباحث فقه سیاسی به چهار بخش تقسیم شده است: مباحث مربوط به کلیت نظام سیاسی، مسائل سیاست داخلی، مسائل سیاست خارجی و تاریخ اندیشه سیاسی فقها.<sup>۲</sup>

با چنین نگرشی، فقه سیاسی را می‌توان در مباحث مهدویت نیز مطرح کرد. ویژگی دانش فقه سیاسی تمرکز بر جزئیات و بیان تکالیف عملی است. از این حیث در مباحث فقه سیاسی مهدویت باید از تکالیف سیاسی مربوط به نظام سیاسی و حاکمان و تکالیف سیاسی افراد و گروه‌های اجتماعی بحث نمود. نمونه‌هایی از مباحث فقه سیاسی مهدویت عبارتند از:

۱. صفات و ویژگی‌های امام در مهدویت اسلامی؛
۲. کارویژه‌ها و وظایف امام در عصر غیبت و ظهور؛
۳. وظایف سیاسی - اجتماعی حکومت مهدی نسبت به مردم؛
۴. حقوق و وظایف مردم نسبت به امام مهدی در عصر غیبت و ظهور؛
۵. جایگاه فرد در دولت مهدوی؛
۶. شیوه انتخاب و گزینش کارگزاران نظام مهدوی؛
۷. حقوق و وظایف گروه‌ها و تشکلهای سیاسی در نظام مهدوی؛
۸. الگوی امر به معروف و نهی از منکر در نظام مهدوی؛
۹. حقوق و وظایف شهروندی در نظام مهدوی؛
۱۰. مسؤولیت‌های سیاسی - اجتماعی دولت مهدوی در قبال تأمین عدالت در جامعه؛
۱۱. ضرورت جنگ و جهاد با مخالفان در عصر ظهور؛
۱۲. مسأله جهاد در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام؛
۱۳. حقوق اقلیت‌ها در نظام مهدوی؛
۱۴. شیوه انتقاد از عملکرد کارگزاران در نظام مهدوی؛
۱۵. ضرورت و چگونگی نظارت سیاسی در نظام مهدوی؛

۱. ن.ک: عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، ص ۴۱.

۲. ن.ک: سید صادق حقیقت، مسأله‌شناسی مطالعات سیاسی اسلامی، ص ۱۹۲.

۱۶. نقش و وظایف زنان در نظام مهدوی؛
۱۷. وظایف سیاسی منتظران در عصر غیبت؛
۱۸. وظایف سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت؛
۱۹. مبانی فقهی نظام ولایی در عصر غیبت؛
۲۰. وظایف و اختیارات جانشینان عام امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت؛
۲۱. اصول و آداب جهاد در عصر ظهور؛
۲۲. حقوق معارضان در انقلاب مهدی علیه السلام؛
۲۳. تکالیف سیاسی کارگزاران نظام ولایی؛
۲۴. راهکارهای عدالت و آزادی در نظام ولایی؛
۲۵. حدود آزادی سیاسی در نظام مهدوی؛
۲۶. تکالیف سیاسی نواب خاص امام در عصر غیبت صغری؛
۲۷. امکان و حدود اعتراض و مخالفت در نظام ولایی؛
۲۸. امکان و حدود اعتراض و مخالفت سیاسی در نظام مهدوی؛
۲۹. وظایف و مسؤولیت‌های نظام ولایی در زمینه‌سازی نظام مهدوی؛
۳۰. چگونگی تفکیک یا ادغام قوا در نظام سیاسی مهدوی.

#### هـ) مباحث جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت

مباحث جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت نیز یکی از حوزه‌های مهم مطالعات سیاسی مهدویت می‌باشد. در گذشته دانش تجربی مستقلی به شیوه علوم اجتماعی جدید نداشته‌ایم، اما برخی از مطالعات و تحقیقات انجام شده در قالب سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها را می‌توان نوعی تجویزات ناشی از تجربه آن‌ها در گذشته بدانیم. البته گاه مطالعات تجربی نیز در تمدن اسلامی دنبال شده است. نمونه بارز چنین روش‌هایی را می‌توان در علم عمران ابن خلدون و مباحث ابن طقطقی یافت. امروزه مطالعات تجربی سیاسی در رهیافت‌های مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصادی، و جغرافیایی و غیره قابل پیگیری است.

جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان علم سیاسی تجربی و بارز، محصول تأمل اندیشمندان در چند قرن اخیر است. در مورد ماهیت این علم اختلافاتی وجود دارد. برخی همانند موریس دورژه، جامعه‌شناسی سیاسی را با علم سیاست یکسان دانسته‌اند که در هر دو، از نهادهای

سیاسی بحث می‌شود. گاه جامعه‌شناسی سیاسی متفاوت از علم سیاسی دانسته شده است.<sup>۱</sup> حسین بشیریه تمایز علم سیاست را با جامعه‌شناسی سیاسی در نوع نگاه از منظر رابطه قدرت دانسته است. در علم سیاست قدرت از بالا به پایین نگریسته و اعمال قدرت از سوی دولت و نهادهای سیاسی جامعه بررسی می‌شود، ولی در جامعه‌شناسی سیاسی روابط قدرت از پایین به بالا و از طریق اعمال قدرت از سوی نیروهای اجتماعی بر نهادهای سیاسی قدرت در جامعه مد نظر می‌باشد.<sup>۲</sup> در این نگرش جامعه‌شناسی سیاسی معطوف به مطالعه قدرت در بین نیروهای اجتماعی است. البته در نگرش‌های متأخر و بر اساس چرخش پسامدرن در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی، آن گونه که کیت نش نیز بخوبی گزارش داده است، جامعه‌شناسی سیاسی معطوف به رابطه قدرت در عرصه اجتماعی است.<sup>۳</sup> در این نگرش، قدرت صرف رابطه رسمی قدرت نیست و به لایه‌های مختلف و پنهان قدرت در عرصه زندگی سیاسی توجه می‌شود. در کل، رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی را می‌توان نوعی مطالعه تجربی روابط قدرت در عرصه اجتماعی دانست.

مباحث جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت مجموعه مسائلی هستند که به مطالعه و تحلیل روابط قدرت در جامعه اسلامی در ارتباط با آموزه مهدویت اسلامی می‌پردازند. از این حیث در جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت می‌بایست بر اساس چگونگی این روابط و تأثیر آموزه مهدویت در تحول و شکل‌گیری روابط قدرت بحث نمود. مباحث جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت را می‌توان در سه دوره عصر حضور امامان معصوم علیهم‌السلام، عصر غیبت، و آستانه ظهور بررسی کرد. گاه مباحثی نیز به صورت جامعه‌شناسانه در مورد عصر ظهور مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد این بحث‌ها عمدتاً به مباحث کلام سیاسی، فقه سیاسی و فلسفه سیاسی مربوط می‌شود و طبعاً مطالعه تجربی در مورد آینده بی‌معنا خواهد بود. نمونه‌هایی از مباحث جامعه‌شناسی سیاسی مهدویت عبارتند از:

#### ۵- (۱) عصر ائمه:

۱. سیره سیاسی معصومان علیهم‌السلام در آماده‌سازی جامعه اسلامی برای عصر غیبت؛
۲. وضعیت سیاسی جامعه اسلامی در آستانه غیبت؛

۱. ن.ک: موریس دورژه، اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی.

۲. ن.ک: حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی.

۳. ن.ک: کیت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه: محمدتقی دلفروز، ص ۵۱.



۳. نهاد و کالت و سیره معصومان در نهادسازی برای عصر ظهور؛
۴. نقش آموزه مهدویت در تحولات سیاسی اجتماعی صدر اسلام؛
۵. تأثیر روابط قدرت در شکل‌گیری جریان‌های مدعی مهدویت در صدر اسلام؛
۶. نقش آموزه منجی‌گرایی در مقاومت شیعیان در برابر خلفای اموی و عباسی؛
۷. شیوه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام در ترویج و جامعه‌پذیر سازی فرهنگ مهدویت؛
۸. شیوه شیعیان در آستانه عصر غیبت در مواجهه با مسأله غیبت؛
۹. چگونگی الگوپذیری شیعیان از آموزه مهدویت در عصر معصومان علیهم‌السلام؛
۱۰. نقش شاگردان و اصحاب ائمه معصوم در گسترش فرهنگ مهدوی؛
۱۱. شیوه‌های تعامل مردم با نمایندگان و وکلای ائمه در عصر حضور؛

۵- ۲) عصر غیبت:

۱. وضعیت سیاسی جهان اسلام در آستانه عصر غیبت؛
۲. وضعیت سیاسی شیعیان در عصر غیبت صغرا؛
۳. چگونگی تعامل شیعیان با نواب خاص؛
۴. چگونگی تعامل خلفا با نواب خاص؛
۵. میزان گسترش و نفوذ فرهنگ مهدوی در عصر غیبت صغرا؛
۶. تأثیر مکاتب با حضرت ولی عصر علیه‌السلام در عصر غیبت صغرا بر رفتار سیاسی شیعیان؛
۷. شیوه‌های کنترل و مقابله حاکمان عباسی با فرهنگ مهدویت در عصر غیبت صغرا؛
۸. نقش آموزه مهدویت در مقاومت شیعیان در عصر غیبت؛
۹. نقش مهدویت در زندگی سیاسی معاصر اسلامی؛
۱۰. استراتژی انتظار؛
۱۱. نقش آموزه مهدویت در حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی (مصادیق این حرکت‌ها هر کدام مستقلاً قابل بررسی هستند، مثل سربداران)؛
۱۲. مهدویت و سیمای سیاسی منتظران؛
۱۳. فرایند جامعه‌پذیری سیاسی فرهنگ مهدویت در جامعه اسلامی؛
۱۴. نقش روشنفکران در گسترش و جامعه‌پذیر سازی فرهنگ مهدویت در عصر غیبت؛
۱۵. نقش خانواده و زنان در جامعه‌پذیری فرهنگ مهدوی؛

۱۶. نقش آموزه‌منجی‌گرایی و مهدویت در حرکت‌های رهایی بخش در جهان اسلام؛
۱۷. نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ مهدوی در عصر غیبت؛
۱۸. بررسی نقش اماکن مقدس منسوب به حضرت مهدی در گسترش فرهنگ مهدوی؛
۱۹. بررسی شعائر شیعیان در بزرگداشت فرهنگ مهدوی و تأثیرات آن؛
۲۰. نقش اینترنت و ماهواره در گسترش فرهنگ مهدوی؛
۲۱. الگوهای ترویج فرهنگ مهدوی در جوامع غیر اسلامی؛
۲۲. شیوه‌های ترویج فرهنگ مهدوی در جوامع اسلامی؛
۲۳. وجوه رویارویی و برخورد فرهنگ‌های منجی‌گرایانه در جوامع چند فرهنگی؛
۲۴. نقش هنر و سینما در فرهنگ سیاسی مهدویت؛
۲۵. تأثیر فرهنگ سیاسی مهدوی بر الگوی مشارکت سیاسی مردم در عصر غیبت؛
۲۶. شیوه‌های برخورد با جریانات سیاسی انحرافی مهدویت؛
۲۷. نقش جریانات مدعی مهدویت در تحولات سیاسی اجتماعی جوامع اسلامی؛
۲۸. عوامل و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری جریانات انحرافی مهدویت؛
۲۹. نقش استعمار در شکل‌گیری جریانات انحرافی مهدویت در جهان اسلام.

ه - ۳) آستانه ظهور و قیام حضرت مهدی (عج)؛

۱. زمینه‌های سیاسی اجتماعی تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)؛
۲. جهانی شدن و چشم انداز فرج؛
۳. ماهیت انقلاب و قیام حضرت مهدی (عج)؛
۴. وجوه ضرورت قیام مسلحانه برای تحقق مدینه فاضله اسلامی؛
۵. نقش قومیت‌ها و ملل مختلف در انقلاب حضرت مهدی (عج)؛
۶. نیروهای مخالف حضرت مهدی (عج)؛
۷. ویژگی‌های جنگ آخرالزمان و استراتژی قیام و جهاد لشکر حضرت مهدی (عج)؛
۸. الگوی تحول و نوسازی در فرهنگ مهدوی؛
۹. نقش آموزه مهدویت در فرهنگ سیاسی جوامع شیعی.

حوزه مطالعات روابط بین‌الملل یکی از حوزه‌های مهم مطالعات سیاسی است. این حوزه شامل مطالعات مختلف در باره ارتباط واحدهای سیاسی در عرصه بین‌المللی و روابط خارجی آن‌ها با یکدیگر، سیاست خارجی دولت‌ها و سیاست بین‌الملل می‌شود. با تحولات چند دهه اخیر و تضعیف دولت‌ملت‌ها در فرایند جهانی شدن، عرصه روابط بین‌الملل به تدریج جای خود را به سیاست جهانی می‌دهد. در حالی که روابط بین‌الملل بر اساس محوریت دولت‌های ملی شکل می‌گرفت و تعریف می‌شد، با تضعیف واحدهای ملی از یک سو و پیدایش بازیگران مهم در عرصه سیاست جهانی متفاوت از نقش آفرینی انحصاری دولت - ملت‌ها در گذشته، عرصه جهانی شاهد پدیده‌ی جدیدی به نام سیاست جهانی شده است. البته در بحث‌های مهدویت این امر به صورت یک مسأله قابل بررسی است که اصل ماهیت ارتباط حکومت جهانی مهدوی یا دیگران چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت‌ها یا ملت‌های دیگری متفاوت از حکومت جهانی مهدوی و امت اسلامی در این دوران حضور خواهند داشت تا شاهد مفهوم روابط بین‌الملل باشیم یا نه؟ برخی از مباحث سیاسی مهم مهدویت در ارتباط با عرصه بین‌الملل و سیاست جهانی عبارتند از:

۱. وضعیت جهان در آستانه عصر ظهور؛
۲. وضعیت قدرت‌ها و دشمنان حضرت در آستانه ظهور؛
۳. مهدویت و چالش‌های معاصر جهان اسلام؛
۴. وضعیت دولت‌ها و ملل در عصر مهدوی؛
۵. مفهوم شناسی سیاست بین‌الملل در عصر ظهور؛
۶. جنگ آخرالزمان و نقش نیروهای حق و باطل در آن؛
۷. بررسی ابعاد استراتژیک منطقه جنگی در آخرالزمان؛
۸. عصر ظهور و ضرورت جنگ و جهاد؛
۹. تاکتیک‌های نیروهای باطل در مواجهه با لشکر حضرت مهدی علیه السلام؛
۱۰. استراتژی غرب در مواجهه با آموزه مهدویت اسلامی؛

۱۱. ماهیت جنگ و تسلیحات آن در آخرالزمان؛
۱۲. راهکارهای تأمین امنیت جهانی در آستانه ظهور؛
۱۳. راهکارهای تأمین امنیت جهان در حکومت جهانی حضرت مهدی عج؛
۱۴. تروریسم و منجی‌گرایی در جهان امروز؛
۱۵. اهداف غرب در طرح شعار تروریسم در مقابله با آموزه‌های آخرالزمانی اسلام؛
۱۶. نقش نیروهای یهودی - مسیحی در آخرالزمان و تدارک جنگ آرماگدون؛
۱۷. فتنه یهود و مسیحیان صهیونیست در آخرالزمان؛
۱۸. چشم انداز آخرالزمان و لشکر سفیانی در روایات اسلامی؛
۱۹. چگونگی تعامل و رویارویی ادیان و مکاتب آینده‌نگر در ارتباط با وقوع آخرالزمان؛
۲۰. آخرالزمان و مسأله جنگ بین ادیان؛
۲۱. نقش جهانی شدن در گسترش منجی‌گرایی در جهان امروز.

#### (ن) مطالعات سیاسی تطبیقی مهدویت و منجی‌گرایی

برخی از مباحث سیاسی مهدوی به بررسی تطبیقی موضوعات مشترک مهدویت در مکاتب و ادیان مختلف مربوط می‌شوند. این مطالعات عمدتاً براساس مباحث مطرح در محورهای پیشین صورت می‌پذیرد. از این رو با حذف مسائل خاص مهدویت در اسلام، بسیاری از مباحث سیاسی مهدویت قابلیت بررسی تطبیقی را دارند. بررسی‌های تطبیقی، گونه‌ای از حوزه مطالعات دین پژوهی است که محقق در آن صرفاً به بررسی وجوه اشتراک و امتیاز دیدگاه‌ها در ادیان مختلف می‌پردازد و از این جهت این گونه مطالعات در ابتدای امر در صدد اثبات صحت و سقم یا حقانیت این دیدگاه‌ها نیست. البته می‌توان در برخی از مطالعات تطبیقی به بررسی مزایا و برتری‌های یک آموزه نسبت به دیگر آموزه‌ها اقدام نمود یا در کاری چند بُعدی، ضمن مقایسه و تطبیق دیدگاه‌ها به ارزیابی و داوری بین آن‌ها نیز پرداخت. بدیهی است چنین شیوه‌ای خود گونه‌ای ترکیبی در مطالعات مهدویت بوده و فراتر از مباحث تطبیقی می‌باشد. با توسعه قلمرو مطالعات تطبیقی به مکاتب بشری مانند مدرنیسم، مباحث تطبیقی می‌تواند به صورت گسترده‌تری مطرح شود.

۱. سیمای منجی در اسلام و دیگر ادیان؛

۲. نگرش ادیان به فرایند ظهور منجی؛
۳. اقدامات ادیان در عرصه مباحث منجی‌گرایی؛
۴. نقش و تأثیر منجی‌گرایی بر روابط بین ادیان؛
۵. سیمای مدینه فاضله در ادیان مختلف؛
۶. نگرش ادیان به پیروزی مستضعفان و مظلومان در پایان تاریخ؛
۷. مدینه فاضله اسلامی و نظام لیبرال دموکراسی؛
۸. نقد و بررسی نظریه لیبرال دموکراسی به مثابه پایان تاریخ؛
۹. برخورد تمدن‌ها و نگرش‌های آینده‌نگر ادیان؛
۱۰. نقش و جایگاه مردم در نگرش‌های ادیان در باب حکومت آخرالزمان؛
۱۱. نقش و جایگاه احزاب و گروه‌ها در نگرش‌های ادیان در باب حکومت آخرالزمان؛
۱۲. منجی‌گرایی و ادیان بشری؛
۱۳. بررسی تطبیقی نگرش اسلامی و یهودی - مسیحی درباره‌بازگشت حضرت مسیح علیه السلام؛
۱۴. بررسی سیمای دجال در اسلام و آیین مسیح؛
۱۵. چگونگی رویکرد منجی به دجال در آخرالزمان در اسلام و آیین مسیح؛
۱۶. کار ویژه‌های حکومت جهانی منجی موعود در ادیان مختلف؛
۱۷. سیمای منجی موعود و انسان کامل در ادیان مختلف؛
۱۸. مجددگرایی و هزاره‌گرایی در اسلام و مسیحیت.

## خاتمه سخن

تحلیل ماهیت زندگی سیاسی در پرتو آموزه مهدویت برای جامعه اسلامی به‌ویژه در شرایط امروز، بسیار حیاتی و ضروری است. تحولات جهانی در آستانه قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی از یک سو و رشد و گسترش اقبال به منجی‌گرایی و مباحث آخرالزمان از سوی دیگر، سبب شور و تحولی جدی در جهان امروز شده است. گرایش مطالعات سیاسی - اجتماعی مهدویت نیز خود همانند دیگر حوزه‌های مطالعات مهدویت حاوی مباحث و مسائل گسترده‌ای است که لازم است با احصای این مسائل زمینه تحقیقات بعدی در این زمینه فراهم شود. البته آنچه در این نوشتار مطرح شد، تلاشی اندک برای شناسایی برخی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه گرایش مطالعات سیاسی مهدویت بوده است. البته ضروری است در فرصت مناسب با بررسی و مطالعه تمامی گرایش‌ها و حوزه‌های مطالعات سیاسی و حتی گرایش‌های بین‌رشته‌ای، مباحث و مسائل مطرح حوزه مطالعات مهدویت احصا شوند. امید است این امر خطیر در آینده با همت محققان و صاحب‌نظران مباحث مهدویت پی‌گیری و کامل شود.

فهرست منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، میانی سیاست، تهران، انتشارات توس، چ ۶، ۱۳۷۰.
۲. اشترواس، لوی، فلسفه سیاسی چیست؟ فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، چ ۸، ۱۳۸۱.
۴. بلوم، ویلیام، نظریه‌های نظام سیاسی، احمد تدین، تهران، نشر آران، ۱۳۷۳.
۵. بهروزلک، غلامرضا، «چیستی کلام سیاسی»، مجله قیسات، ۱۳۸۲، ش ۲۸.
۶. حقیقت، سید صادق، مسأله شناسی مطالعات سیاسی اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۷. دورژه، موریس، اصول علم سیاست، ابوالفضل قاضی، تهران، امیر کبیر، چ ۶، ۱۳۶۹.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱.
۹. عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۱۰. فارابی، ابونصر محمد، «کتاب الملة»، اعداد محسن مهدی، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۳۷۹، ش ۱۲.
۱۱. لمبتون، کی اس، اندیشه سیاسی در دوره میانه اسلام، ترجمه: عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸.
۱۲. لوکس، استیون، قدرت نگرشی رادیکال، عماد افروغ، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۱۳. لویس، برنارد، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا بهروزلک، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۱۴. مک گرو، آنتونی، «مفهوم پردازی سیاست جهانی»، مجله ارغنون، تابستان ۱۳۸۳، ش ۲۴.
۱۵. نش، کیت، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰.